

«نفت و نزوئلا»؛ سلاح اقتصادی آمریکا علیه چین

آمریکا با تمرکز بر راهبرد انرژی و کنترل منابع نفتی و نزوئلا تلاش دارد مانع از تبدیل شدن چین به بازیگری مسلط در بازار انرژی نیمکره غربی شود و برتری ژئوپلیتیکی خود را در برابر رقیب نوظهور حفظ کند.

اقدام تجاوزکارانه آمریکا در ونزوئلا و ربایش نیکولاس مادورو، رئیس جمهور قانونی این کشور را نمیتوان صرفاً ناشی از تحولات داخلی یا تنشهای سیاسی دانست بلکه این اقدام بیش از هر چیز در چارچوب رقابت راهبردی واشینگتن با رقبای جهانی به ویژه در زمینه کنترل منابع انرژی قابل تحلیل است.

اگرچه سیاست تغییر رژیم در ونزوئلا طی دو دهه اخیر همواره در شمار اولویتهای اصلی سیاست خارجی آمریکا قرار داشته است اما نقش نفت ونزوئلا در راهبرد کلان کاخ سفید برای مدیریت دوران افول قدرت جهانی آمریکا در برابر رقبای بینالمللی و در راس آنها چین فاکتوری بسیار تعیینکننده است که نباید آن را کوچک شمرد.

در حال حاضر، چین جدیترین رقیبی است که در همه ابعاد برای آمریکا تهدید محسوب میشود و تحلیلگران پیشبینی میکنند طی دهه آینده توانایی به چالش کشیدن هژمونی واشینگتن را خواهد داشت. این غول نوظهور در سالهای اخیر با گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی در نقاط مختلف جهان به دنبال تقویت جایگاه بینالمللی خود بوده است. از اینرو، آمریکای لاتین به ویژه ونزوئلا با اهمیت ژئوپلیتیکی و ذخایر نفتی گسترده یکی از کلیدیترین میدانهای این رقابت راهبردی به شمار میرود.

قطع دست چین از نفت ونزوئلا

ونزوئلا با در اختیار داشتن بزرگترین ذخایر اثبات شده نفت جهان و قرار گرفتن در حیاط خلوت سنتی آمریکا به پایگاهی برای نفوذ اقتصادی و انرژی چین تبدیل شده است، موضوعی که با دکترین و خطوط

قرمز تاریخی سیاست خارجی آمریکا در تضاد قرار دارد.

چین طی سال‌های اخیر حدود ۲٫۱ میلیارد دلار در بخش نفت ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده و شرکت‌های چینی از جمله «شرکت نفت ملی چین» در پروژه‌های نفتی و میادین مشترک با شرکت ملی نفت ونزوئلا (PDVSA) فعال هستند. این سرمایه‌گذاری‌ها از سال ۲۰۱۶ شروع شده و چین را به یکی از معدود بازیگران خارجی در صنعت نفت ونزوئلا تبدیل کرده‌اند.

همچنین، واردات نفت چین از ونزوئلا در سال ۲۰۲۵ به حدود ۴۷۰٫۰۰۰ بشکه در روز رسید که معادل نزدیک به ۴٫۵ درصد از کل واردات دریایی نفت خام چین بوده است. بخش عمده این نفت توسط پالایشگاه‌های مستقل کوچک خریداری شده و بخشی نیز در قالب بازپرداخت بدهی ونزوئلا به چین مورد استفاده قرار گرفته است.

این روابط به چین امکان می‌داد نفتی با تخفیف و خارج از سازوکارهای تحت سلطه غرب تهیه کند، موضوعی که از نگاه واشینگتن یک چالش راهبردی تلقی می‌شد. به همین دلیل، قطع یا تضعیف این ارتباطات نه تنها اقتصاد ونزوئلا را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه جایگاه چین را به عنوان یک بازیگر انرژی مستقل از غرب کاهش می‌دهد، هدفی که واشینگتن دنبال می‌کند تا رقیب نوظهور خود را از دسترسی به منابع حیاتی نیمکره غربی محروم کند.

از نگاه واشینگتن، قطع یا محدود شدن صادرات نفت ونزوئلا به چین پیامدهای مستقیمی برای این رقیب دارد. کاهش دسترسی به نفت ارزان ونزوئلا می‌تواند هزینه‌های انرژی چین را افزایش دهد و حاشیه مانور این کشور را در بازار جهانی نفت محدودتر کند.

به همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که یکی از اهداف اصلی آمریکا از مداخله در ونزوئلا قطع پیوند انرژی میان کاراکاس و پکن و تضعیف جایگاه چین در این کشور بوده است. این اقدام در چارچوب راهبرد گسترده‌تر مهار چین قابل تحلیل است، راهبردی که نه تنها در شرق آسیا بلکه در آمریکای لاتین و سایر مناطق جهان نیز دنبال می‌شود.

کنترل نفت ونزوئلا برای آمریکا یک اهرم استراتژیک دوگانه محسوب می‌شود. از آنجا که ونزوئلا بزرگترین ذخایر نفتی را در اختیار دارد، لذا ظرفیت تعیین بخشی از عرضه بازار جهانی را دارد و واشینگتن می‌تواند با مدیریت تولید و صادرات، قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و جایگاه خود را در بازار انرژی تثبیت کند.

همزمان، چین یکی از مشتریان اصلی نفت ونزوئلاست و محدود کردن دسترسی چین به این منابع می‌تواند وابستگی انرژی پکن را افزایش دهد و فشار بر زنجیره تأمین انرژی آن وارد کند. سرمایه‌گذاری آمریکا در زیرساخت‌های نفتی ونزوئلا و توسعه مسیرهای صادرات به سمت بازارهای خود و متحدان، علاوه بر تقویت منافع اقتصادی، نفوذ ژئوپلیتیک واشینگتن در آمریکای لاتین را افزایش می‌دهد و حوزه نفوذ چین در منطقه را تضعیف می‌کند.

مواضع ضد چینی مقامات واشینگتن

اگرچه مقامات آمریکایی پیش‌تر در اظهارات رسمی معمولاً از بیان آشکار اهداف اقتصادی یا نفتی در رقابت با چین در دریای کارائیب اجتناب می‌کردند اما تأکید مداوم دولت ترامپ بر حفظ برتری آمریکا در نیمکره غربی و مهار نفوذ قدرتهای رقیب، نگرانی بی حد و حصر واشینگتن از رشد حضور چین در منطقه را آشکار می‌سازد.

در این میان، ترامپ در نخستین اظهارات خود پس از حمله به ونزوئلا اهداف نفتی واشینگتن را آشکار کرد و بیان داشت: «ذخایر عظیم نفت ونزوئلا بازسازی و بهره‌برداری خواهند شد و شرکت‌های نفتی آمریکایی سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای برای نوسازی زیرساخت‌های فرسوده، افزایش تولید و فروش حجم بالایی نفت به بازارهای بین‌المللی انجام خواهند داد و اکنون ما وارد تجارت نفت شده‌ایم». اشاره ترامپ به اینکه دولت موقت ونزوئلا نباید نفت را به دشمنان آمریکا، از جمله چین بفروشد، نشان می‌دهد که واشینگتن تمرکز ویژه‌ای بر مهار این رقیب نوظهور در نیمکره غربی دارد.

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا نیز در سخنانی گفت که ایالات متحده اجازه نخواهد داد کشوری در نیمکره غربی به پایگاهی برای فعالیت دشمنان جهانی آمریکا از جمله چین، ایران و روسیه تبدیل شود. نمی‌توان اجازه داد بزرگترین ذخایر نفتی جهان تحت کنترل دشمنان واشینگتن باقی بماند. از سوی دیگر، تد کروز، سناتور جمهوریخواه آمریکا با این ادعا که چین، روسیه و ایران به دنبال ایجاد پایگاه در ونزوئلا بودند، گفت که ترامپ به این سه کشور دستور داده تا فوراً از نیمکره غربی خارج شوند.

با توجه به اظهارات مقامات آمریکایی و رونمایی از سند جدید راهبرد امنیت ملی این کشور با هدف تمرکز بر نیمکره غربی، تسلط بر ونزوئلا و منابع انرژی آن جایگاهی ویژه در رقابت‌های جهانی واشینگتن دارد.

زیرا، ونزوئلا نه تنها از نظر منابع انرژی اهمیت دارد بلکه به عنوان نمادی از مقاومت در برابر سیاستهای آمریکا و همکاری نزدیک با چین و روسیه شناخته میشود.

تحلیلگران غربی نیز تأکید میکنند که تحولات کنونی در ونزوئلا بازتاب رقابت میان قدرتهای بزرگ است که هدفشان دستیابی به سهم بیشتری از بازار جهانی انرژی و تثبیت نفوذ خود در این حوزه است. در این زمینه، تحلیلگران اندیشکده «شورای آتلانتیک» در واکنش به عملیات آمریکا علیه ونزوئلا گفتند که این اقدام به نوعی پیامی برای پکن است مبنی بر اینکه واشینگتن نمیخواهد دیگر قدرتهای جهانی از جمله چین در نیمکره غربی نفوذ راهبردی داشته باشند. آنها تأکید کردند که کنترل انرژی ونزوئلا و صنعت نفت آن بخشی از تلاش گستردهتر آمریکا برای حفظ نفوذ در منطقه و محدود کردن حضور چین و روسیه است.

روزنامه گاردین نیز در این باره نوشت: «انتقال نفت ونزوئلا از مسیرهای سنتی به سمت آمریکا ممکن است جریان نفتی را که قبلاً به مقصد چین در حرکت بود تغییر دهد و این امر در عمل میتواند دسترسی چین به منابع انرژی خاص ونزوئلا را کاهش دهد و چنین تغییری بخشی از رقابت راهبردی میان دو قدرت جهانی است».

نیاز آمریکا به نفت ونزوئلا در دوران جنگ اقتصادی

آمریکا با وجود آنکه بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان است اما همچنان به واردات نفت سنگین وابسته است، زیرا بخش قابل توجهی از پالایشگاههای این کشور به ویژه در سواحل «خلیج مکزیک» برای فرآوری نفت سنگین و ترش طراحی شده اند. این پالایشگاهها در گذشته از نفت ونزوئلا استفاده میکردند و پس از اعمال تحریمها، عمدتاً به نفت سنگین کانادا متکی شدند. بنابراین، بازگشت نفت ونزوئلا به بازار آمریکا میتواند خوراک ارزانتر و مناسبتری برای این پالایشگاهها فراهم کند و هزینههای پالایشی را کاهش دهد.

نفت ونزوئلا از نظر فنی با ساختار پالایشگاههای آمریکا سازگاری بالایی دارد و در صورت عرضه مجدد به بازار این کشور میتواند روزانه تا حدود یک میلیون بشکه جذب پالایشگاههای آمریکایی شود. این امر نه تنها به تقویت امنیت انرژی آمریکا کمک میکند بلکه میتواند بخشی از واردات نفت سنگین از کانادا را نیز کاهش دهد. از این منظر، نفت ونزوئلا برای واشینگتن هم یک مزیت اقتصادی و هم یک

اهرم ژئوپلیتیکی به شمار می‌رود.

ترامپ از هم اکنون مقدمات این زنجیره انتقال را نیز فراهم کرده و در این باره اعلام کرد: «مقامات دولت انتقالی ونزوئلا بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون بشکه نفت مشمول تحریم را به واشینگتن تحویل خواهند داد. نفتی که از ونزوئلا دریافت می‌کنیم با قیمت بازار به فروش خواهد رسید و من به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا بر نحوه مدیریت عوائد آن نظارت خواهم کرد». بنابراین، با گذشت چند روز از حمله به ونزوئلا روشن شد که موضوع اصلی تسلط بر منابع انرژی بوده است نه تهدید مواد مخدر، همان مسئله‌ای که پیش‌تر مقامات کاراکاس به آن اشاره کرده بودند که واشینگتن تنها به منابع انرژی این کشور چشم دوخته است.

در نهایت، حمله آمریکا به ونزوئلا را باید در چارچوب رقابت کلان میان دو قدرت بزرگ جهان تحلیل کرد. آمریکا با تمرکز بر راهبرد انرژی و کنترل منابع نفتی ونزوئلا تلاش دارد مانع از تبدیل شدن چین به بازیگری مسلط در بازار انرژی نیمکره غربی شود و برتری ژئوپلیتیکی خود را در برابر رقیب نوظهور حفظ کند.